

## «شاکله ارزشی جامعه آرمانی از منظر معرفت و تفکر اسلامی»

حسین رضانی<sup>۱</sup>

چکیده

حرکت تکاملی جامعه انسانی نیازمند آرمانی ارزشی به‌عنوان غایت فرازمانی و فرامکانی تحول و سیروورت فرد و جامعه است، تا در امتداد ارزشی آن آرمان، مطلوبیت‌های زمانی و مکانی در عرصه‌های مختلف فرهنگ، علم، هنر، سیاست، اقتصاد، امنیت، تعلیم و تربیت، روابط بین‌الملل و... شناسایی شده و عملکردهای موردنیاز بر اساس آن جهات ارزشی راه‌اندازی شوند. نوشتار حاضر، سعی نموده با مراجعه به آموزه‌های قرآن و عترت (علیهم‌السلام)، ابعاد، ساختار و محتوای ارزشی جامعه آرمانی اسلام را شناسایی و تبیین نماید. از آن جهت که وضعیت اجتماعی یک وضعیت پیوستار است و عرصه‌های مختلف و متنوع جامعه پیوندی شبکه‌ای با هم دارند سعی شده پیوند ساختاری و طولی و عرضی ارزش‌های جامعه آرمانی درک شود تا بدین ترتیب، تبیینی یکپارچه و پیوستار از هویت آرمانی جامعه اسلامی به دست آید. این هویت آرمانی، مبین جهات ارزشی جامعه‌ای است که انسان در آن به سوی تعالی و خلافة‌اللہی سیر و سیروورت می‌یابد و مظهر توحید است.

کلیدواژه‌ها: انسان، جامعه، آرمان، جامعه آرمانی، تحول، سیروورت، تکامل، تعالی، خلافة‌اللہی

مقدمه

---

<sup>۱</sup>پژوهش‌گر مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین و دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی دانشگاه قم

حرکت حیاتی انسان، در انحاء احوال و اطوار و مراتب در بُعد فردی و اجتماعی در حال جریان است. در واقع، استمرار وجودی انسان همراه است با بروز فعلیت‌هایی که در فطرت فرد به نحو استعداد نهاده شده‌اند و متأثر از فطرت فرد نهادها یا اجتماعی و هویت ساختاری و ارزشی جامعه را شکل می‌دهند. بدین ترتیب، حیات انسان همراه با شکوفندگی است؛ و شکوفایی یعنی ظهور استعدادهای مکتوم در نهاد فرد و به تبع فرد جامعه، البته متناسب با شرایط زمینه‌ای اعم از شرایط زمانی و مکانی. در واقع، بستر اجتماعی ظهور استعدادها، فرهنگ است. فرهنگ هویت اندیشه‌ای، باوری و سلوکی یک قوم است که در هر برهه زمانی خود را در زیست بوم و جغرافیای زیست یک قوم جلوه‌گر می‌سازد.

همانند هر حرکت دیگری، حرکت حیاتی فرد و جامعه دارای مقصد، بستر، محرک و متحرک است. متحرک حقیقی و اصیل، نفس انسان است؛ از آن جهت که وجودی سیال و رو به تکامل و تعالی دارد؛ و به تبع فرد انسان جامعه نیز دارای حرکت است؛ چراکه هویتی پیوسته با افراد دارد و در واقع، جامعه هویت اجتماعی افراد است. محرک این حرکت، میل فطری انسان به «خوب‌تر زیستن» است؛ مفهومی که از آن با لحاظ معانی بعضاً متفاوت به تکامل، بهروزی، رفاه، صیانت ذات، شکوفایی، سعادت و تعالی یاد می‌شود. این میل سرشته در نهاد انسان است و از این رو ریشه در فطرت و غریزه انسانی دارد و هر دو بُعد طبیعی و مابعدالطبیعی وجود انسان را در بر می‌گیرد. بستر حرکت حیاتی انسان، همان هویت اجتماعی انسان است از آن جهت که اجتماع بستر ظهور توانمندی‌های افراد انسان است و مهد رشد و شکل‌گیری شخصیت افراد است. در واقع، اجتماع محل سرریز فضائل و رذائل فردی است و علاوه بر آن محل ظهور شکل‌های جدیدی از حقایق انسانی است که وابسته به هویت اجتماعی انسان هستند؛ اموری که از آن‌ها به امور اعتباری یاد می‌شود.

مقصد حرکت حیاتی انسان عبارت است از آن چیزی که بایسته است غایت سیر و سیوروت وجود فرد و جامعه به سوی آن باشد. چیهستی این مقصد مسئله‌ای سترگ است که هر دستگاه نظری و مکتب بینشی بر اساس مبانی هستی‌شناختی‌اش پاسخی خاص بدان می‌دهد. پرسش‌های اساسی‌ای که ذیل این مسئله طرح می‌شوند عبارت‌اند از این که مقصد سیر و سیوروت حیات انسان در بستر تحولات فرد و جامعه چیست؟ این مقصد چگونه درک می‌شود؟ چگونه حقانیت و جاهت ارزشی آن اثبات می‌شود؟ حائز چه مراتبی است؟ و چگونه در نسبت فرد و جامعه محقق می‌شود؟ آیا فرد انسان فارغ از جامعه خود دارای مقصدی برای زندگی است یا این مقاصد هم‌پوشانی دارند؟ در این نوشتار سعی شده شاکله ارزش‌های آرمانی جامعه اسلامی مبتنی بر مبانی نظری و ارزشی معرفت و حکمت اسلامی تا حدودی تبیین شود و سؤالات آمده در اینجا حتی الامکان پاسخ یابند. بدین ترتیب، این نوشتار تلاش دارد مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و روایی، درکی مستدل و نظری از هویت آرمانی جامعه اسلامی

ارائه دهد. این درک آرمانی، درکی پیشینی<sup>۲</sup>، فرازمانی و فرامکانی از ارزش‌های اصیل انسانی است که آموزه‌های قرآنی و سنت اسلامی آن را به دست می‌دهند. بدین‌سان، درک آرمان حرکت حیانی انسان مسلمان در ابعاد فردی و اجتماعی، الگویی ارزشی را پیش می‌نهد که در خدمت درک مطلوبیت‌های زمانی و مکانی جامعه قرار می‌گیرد. درواقع، مطلوبیت‌ها مبتنی بر یک الگوی آرمانی است که فهم می‌شوند، البته در تناسب و تطبیق با شرایط اقلیمی، تاریخی و فرهنگی هر قوم. بدین‌ترتیب، وجود یک برداشت و انگاره از وضعیت آرمانی فرد و جامعه اسلامی مقدمه هرگونه حرکت توسعه‌ای و پیشرفتی است.

### 1. تمهیدی مقدماتی در باب چیستی وضعیت اجتماعی، حرکت تکاملی و افق آرمانی انسان و جامعه

پیش از آن‌که به بیان شاخصه‌های ارزشی جامعه آرمانی بپردازیم، لازم است درک شود که اساساً هویت اجتماعی انسان از منظر معرفت و حکمت اسلامی چه تعریفی دارد و دیگر این‌که وجه آرمانی این هویت چیست و چه نسبتی با حرکت تکاملی یا صیوروت وجودی فرد و جامعه دارد.

چنان‌که با نظر تحلیلی به ساحت جامعه نظر نماییم، عناصر و مقومات دخیل در ایجاد وضعیت اجتماعی عبارت‌اند از: فرد، جامعه و روابط متقابل این دو. آنچه مشخص است این است که انسان هویتی عینی و شخصی دارد، مستقل از هر امری بیرون از ذاتش؛ این هویت شخصی به واسطه خودآگاهی انسان قابل تأیید است (قیامت: 14). هویت شخصی انسان برگرفته از نفخه الهی است؛ بنابراین انسان سرشتی الهی دارد (الحجر: 29). درواقع، هویت شخصی انسان ناشی از بهره‌مندی توانایی او در تفکر کردن، متمایل شدن و فعالیت نمودن است. این سه بُعد از توانمندی‌ها، سه ساحت ذهنی، قلبی و رفتاری را در حیات فردی می‌گشایند (نوح: 14؛ مؤمنون: 14-12؛ سجده: 9-7). هویت شخصی انسان یعنی ابعاد توانمندی‌های انسان، آزاد آفریده شده‌اند؛ یعنی انسان در نحوه راه‌اندازی این توانایی‌ها دارای اختیار فردی است (بلد: 10؛ انسان: 3). و چنان‌که پیش‌تر بیان شد، توانمندی‌های انسان، نهاد یافته در درون و فطرت انسان‌اند (روم: 30). مجموع توانمندی‌های فکری، قلبی و رفتاری انسان در

---

<sup>2</sup> منظور از درک پیشینی در مقابل درک پسینی آن است که در این نوشتار بر مبنای تحلیل عقلانی هویت انسان، شاخصه‌های ارزشی جامعه انسانی استنباط و تبیین می‌شوند و نه صرفاً بر اساس درک تجربی و تاریخی حیات اجتماعی انسان از ابتدا تاکنون. توجه به تمایزی که کانت میان قضایای پیشینی (a priori) و پسینی (a posteriori) قائل است به درک ما از دو واژه پیشینی و پسینی در اینجا کمک می‌کند. فی‌المثل طرح افلاطون در رساله جمهوری و یا طرح فارابی در کتاب آراء مدینه الفاضله دو طرح پیشینی و عقلانی هستند در حالی‌که طرح تامس مور در کتاب آرمانشهر (یوتوپیا) طرحی تجربی و پسینی است. (برای مطالعه بیشتر ملاحظه نمایید: افلاطون، دوره آثار افلاطون (4 جلد)، ترجمه لطفی، محمدحسن؛ تهران، خوارزمی، چاپ سوم، 1380، ج 2: رساله جمهوری / مور، تامس؛ آرمانشهر، ترجمه آشوری، داریوش و نادر افشار نادری؛ تهران، خوارزمی، چاپ سوم، 1387).

بدایت امر، هویت استعدادی انسان را شکل می‌دهند(غافر: 67). این هویت استعدادی، امانت الهی است(یس: 61-60). و همین هویت استعدادی و مختار انسان مبنای وجدان اخلاقی و مسئولیت انسان در قبال سرنوشت (کمال یا انحطاط) خود است(الإسراء: 36). سرنوشت انسان با نحوه به کار افتادن توانمندی‌های انسان رقم می‌خورد؛ و انسان در قبال سرنوشت خود مسئول است. در واقع، انسان سرنوشت خود را که همان هویت خود اوست با نحوه استفاده‌اش از توانمندی‌هایش خلق می‌کند(مائده: 105).

اما واقعیت غیرقابل انکار دیگر آن است که انسان به‌حسب طبیعت ذاتی‌اش، مدنی‌الطبع است؛ و یا به تعبیری دیگری حیث‌التفاتی اجتماعی<sup>3</sup> دارد. این بدان معناست که دیگران از آن‌جهت که موضوع یا طرف تفکر، تمایل یا عمل انسان قرار می‌گیرند دخیل در هویت و در نتیجه، سرنوشت انسان هستند(تحریم: 6؛ شعراء: 214). در واقع، گرایش طبیعی انسان به زندگی جمعی ریشه‌ای فطری دارد. انسان فطرتاً متمایل به هم‌نوع‌اش است؛ نه آن‌که نیازهای معیشتی، او را اجبار به این انتخاب نموده باشد. بدین‌سان، اجتماع، به لحاظ عینی و انضمامی، ناشی از تجمع انسان‌ها در کنار هم و مشارکت (نقش‌پذیری) ایشان در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای حیاتی (طبیعی، عاطفی و معنوی) است؛ اما به لحاظ ذهنی و انتزاعی، ناشی از درهم‌تنیدگی وجود هم‌پیوند یا حیثیت‌های التفاتی ایشان است(حجرات: 10). کارکردهای اجتماعی یعنی توان ویژه یک عنصر یا کنشگر اجتماعی در پاسخ‌گویی به یک نیاز یا ایجاد یک ارزش اجتماعی مورداعتنا برای همگان، مبنای تقسیم جایگاه‌های اجتماعی هستند(نجم: 39-40). این مقوله‌ای است که با نظر دقیق قابل رؤیت است و از ارسطو گرفته تا دورکیم بدان اذعان دارند.<sup>4</sup>

پیرامون کارکردهای یکسان یا نزدیک به هم اجتماعی، همگرایی‌های اجتماعی یعنی واحدها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرند. در واقع همگرایی‌های مدنی و اجتماعی در قالب واحدها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی بر اساس منطق «نیاز و کارکرد» شکل گرفته و ساختاری از تعاملات اجتماعی را فراهم می‌آورند که مبنای اتصال و ارتباط افراد درون واحدها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است. بدین‌سان، فرد از

---

<sup>3</sup>تعبیر «حیث‌التفاتی» (intentionality) تعبیری است که هوسرل متأثر از برناتانو آن را به‌عنوان اساسی‌ترین خصوصیت آگاهی به کار برد. حیث‌التفاتی آگاهی یعنی آن‌که آگاهی همواره آگاهی نسبت به چیزی است و معلوم یا متعلق شناسایی نیز جز در ارتباط با آگاهی قابل تعریف نیست. (ملاحظه نمایید: دارتینگ، آندره؛ *پدیدارشناسی چیست؟*، ترجمه نوالی، محمود؛ تهران، سمت، چاپ چهارم، 1387، ص 21)؛ مبتنی بر این معنا از التفاتیت، تعبیر «حیث‌التفاتی جمعی» (collective intentionality) بدین معناست که انسان به حسب فطرت خود در نسبت و پیوند با دیگری قرار دارد؛ و التفات نسبت به دیگری در بسیاری از وجوه آگاهی او درباره خودش دخالت دارد. به‌ویژه آنجا که پای مفاهیم اعتباری اجتماعی به میان می‌آیند.

(See: Searle, John R.; "What is an intentional state?", *Mind*, Vol. 88, No.349, (Jan., 1979), pp. 74-92.)

<sup>4</sup>ر.ک: ارسطو، *سیاست*، ترجمه عنایت، حمید؛ تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ پنجم، 1387، صص 3-2/ سیدمن، استیون؛ *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه جلیلی، هادی؛ تهران، نی، چاپ پنجم، 1392، ص 61.

آن حیث که در هم‌پیوندی اجتماعی قرار دارد درگیر همگرایی‌های اجتماعی شده و علاوه بر هویت اولیه فردی خود، هویت ثانویه اجتماعی نیز می‌یابد. این هویت ثانویه در واقعیت انضمامی و عینی، دارای اتحاد واقعی با هویت اولیه فرد است و تنها به حسب انتزاع ذهنی از هم متمایزند (ر.ک: پار سانیا، 1392، صص 121-117).

کما این که فرد و جامعه دارای نسبتی تعاملی با هم‌اند. بدین ترتیب، فرد انسان، در عین این که هویت فردی‌اش را از دست نمی‌دهد و به تبع آن آگاهی و وجدان اخلاقی فردی‌اش را حفظ می‌کند، دارای هویتی اجتماعی نیز هست که نشانه آن تعلقات و انتساب‌های اجتماعی اوست. از سوی دیگر، ارتباطات اجتماعی در بستر محدوده‌های جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی شکل می‌گیرند؛ در نتیجه، علاوه بر، منطق نیاز و کارکرد، اشتراک جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی سبب ایجاد پیوندهای کلان اجتماعی در یک اقلیم یا سرزمین می‌شوند.<sup>9</sup>

اما در خصوص تحول حیاتی انسان به لحاظ فردی و اجتماعی، باید به هویت صیورورت‌یابنده انسان توجه کرد. اساساً انسان وجود و انیتی رو به پیشرفت دارد؛ به عبارت دیگر، انسان هویتی سیال و رو به تکامل و کمال دارد و این معنا امری شهودی است (کمال‌گرایی) (إنشقاق: 6). گرچه تکامل و کمال انسان وجه فردی و واقعی در نفس الامر وجود فرد دارد لکن باید در نظر داشت که تکامل و تعالی انسان در بستر حیات اجتماعی رقم می‌خورد؛ چراکه انسان گریزی از پیوندهای اجتماعی ندارد. این بیان مفید نفی اختیار از انسان نیست؛ چراکه انسان با آزادی و اختیار خود است که روابط و رفتارش را انتخاب و سامان می‌بخشد. بدین سان تکامل و تعالی فردی با تکامل و تعالی اجتماعی مساوق است؛ به عبارت دیگر، جامعه رشد یافته، جامعه‌ای است که بیشترین افراد آن برترین کمالات ذهنی، عاطفی و رفتاری را دارا هستند.

مبادی تکامل و کمال انسان، هویت استعدادی و آزادی اوست یعنی توانایی تفکر آزاد، تمایل آزاد و رفتار آزاد. نکته‌ای که توجه بدان لازم است این است که میل ذاتی انسان به کمال، با خلاقیت و ساختن همراه است. خلاقیت و ساختن نزد انسان وجه نظری، عاطفی و رفتاری دارد. خلاقیت و ساختن انسان همچون وجود فردی او هویتی التفاتی دارد یعنی رفتار (خروج از قوه به فعلیت) انسان در همان حال که به هویت خود او شکل می‌دهد به هویت اجتماع نیز شکل می‌دهد. همان‌طور که پیشتر نیز بیان شد، حیث التفاتی اجتماعی هویت انسان، مبنای مسئولیت او در قبال دیگران و جامعه است (آل‌عمران: 110).

به‌طور مشهود، ملاحظه می‌شود که رفتارهای فردی انسان در بستر واحدها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی یعنی در تاروپود ساختارهای اجتماعی رخ می‌دهند. (به‌عنوان مثال، فردی‌ترین رفتار انسان یعنی عبادت پروردگار بر طبق شریعت رقم می‌خورد و شریعت یک واقعیت اجتماعی است). بر این اساس، میل ذاتی انسان به کمال،

---

9. ر.ک: طباطبایی، محمدحسین؛ اصول فلسفه و روش رئالیسم (مجموعه آثار شهید مطهری جلد 6)، تهران، صدرا، چاپ چهارم،

خواهناخواه حرکت اجتماعی را از طریق مشارکت در ساختارهای اجتماعی رقم می‌زند (مأثده: 2). در نتیجه، حرکت اجتماعی یا دیالکتیک اجتماعی یعنی حرکت شبکه روابط هم‌پیوندی افراد انسانی یا ساختارهای اجتماعی. اما مبادی حرکت تکاملی اجتماع، عبارت است از همان مبادی حرکت تکاملی افراد انسان که در یک اجتماع و در ضمن واحدها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی در پیوند با یکدیگر قرار دارند؛ یعنی افکار، تمایلات و رفتارها (سبأ: 46). بدین ترتیب، آرمان جامعه انسانی، امتداد اجتماعی آرمان فرد است؛ یا به عبارت دیگر، آرمان فرد (فرد مثالی و انسان نوعی به مثابه «حیّ متألّه»)، آرمان جامعه انسانی است (نحل: 60). در واقع، به لحاظ ارزشی جامعه در خدمت تعالی فرد است؛ اما به لحاظ ماهوی، صوری و ساختاری، جامعه دارای ابعاد اعتباری پیچیده‌ای است که متناسب با نیازها و کارکردها و غایات واسط مادی و معنوی، در طول زمان شکل گرفته‌اند. با این حال، در همه ابعاد، صور و ساختارهای اجتماعی در خدمت ارزش‌های رشد دهنده فرد انسان هستند.

حرکت تکاملی انسان دارای مشخصه‌های متناسب با روح و سرشت روحانی و عقلانی انسان است. مشخصه‌های حرکت تکاملی انسان را به‌طور خلاصه به‌صورت ذیل می‌توان ارائه نمود:

اولاً، حرکت تکاملی انسان و اجتماع انسانی، حرکتی تدریجی و پیوستار است. (در بستر زمان کمی)؛ ثانیاً، حرکت تکاملی انسان و اجتماع انسانی، حرکتی تطوری و تحولی است. (در بستر زمان کیفی یا حالی)؛ ثالثاً، حرکت تکاملی انسان و اجتماع انسانی، حرکتی فکری است که در بستر رشد عقلانی رخ می‌دهد؛ رابعاً، حرکت تکاملی انسان و اجتماع انسانی، حرکتی فرهنگی است که در بستر ارزش‌ها، صورت‌ها یا سبک‌های مختلف زندگی اتفاق می‌افتد؛<sup>6</sup>

خامساً، حرکت تکاملی انسان و اجتماع انسانی، حرکتی نهادی است یعنی در ضمن ساختارها و نهادهای اعتبار یافته از توافقات اجتماعی در عرصه‌های مختلف فرهنگ، سیاست و اقتصاد جریان می‌یابد؛<sup>7</sup> (بُعد تاریخی حرکت تکاملی اجتماع انسانی)

سادساً، حرکت تکاملی انسان و اجتماع انسانی، حرکتی روحی است یعنی در ضمن تعلقات انسان به حقایق مطلق (فرازمایی و فرامکانی) رقم می‌خورد. (بُعد فراتاریخی حرکت تکاملی اجتماع انسانی) در واقع، ابعاد

---

<sup>6</sup> فرهنگ زیربنای ساختار اجتماعی است و به تعبیر تالکوت پارسونز «فرهنگ نیروی عمده پیوند دهنده عناصر گوناگون دنیای اجتماعی است.» (ملاحظه نمایید: ریتز، جورج؛ نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه نایی، هوشنگ؛ تهران، نی، چاپ اول، 1393، ص 335)

<sup>7</sup> نهادها، بخش معظم جهان اجتماعی و صورت حیات اجتماعی و روابط انسانی هستند و تنها بدان دلیل وجود دارند که انسان‌ها اعتقاد دارند که وجود دارند. برخلاف واقعیت‌های تکوینی و فیزیکی که فارغ از وجود و توافق جمعی و اعتقاد عمومی افراد یک جامعه، وجودی مستقل دارند. (ملاحظه نمایید: تریگ، راجر؛ فهم علم اجتماعی، ترجمه مسمی پرست، شهناز؛ تهران، نی، چاپ دوم، 1386، ص 315) همچنین ملاحظه نمایید:

فرا تاریخی و روحانی حرکت تکاملی انسان و اجتماع انسانی متناسب با اتجاه و جهت گیری های ارزشی (ارزش های معرفتی، ارزش های اخلاقی، ارزش های زیبایی شناختی، ارزش های اقتصادی، ارزش های سیاسی و ارزش های جامعه شناختی) خود، ابعاد تاریخی و ساختاری اجتماع را طراحی نموده و سامان می دهد. بدین سان، تعیین یافتگی و تکامل اجتماع وابسته به آن است که چه ارزش هایی از مجرای رفتارها و فعلیت یافتگی های فردی در ضمن روابط اجتماعی منعکس شوند.

جامعه آرمانی اسلامی، جامعه ای است که منعکس کننده ارزش های مستقر در نهاد و فطرت الهی انسان باشد. در جامعه آرمانی اسلامی، ارزش های توحیدی و الهی هدایت گر شناخت، عاطفه و رفتار انسان ها در ضمن فعالیت های اجتماعی هستند؛ توحید مبنای اخلاق و عمل انسان است. در واقع، از منظر معرفت و حکمت اسلامی، توحید روح اخلاق و عمل انسان در ساحت فردی و اجتماعی است و اخلاق و عمل مؤمن بسط وجود توحیدی و زیست موحدانه اوست. بدین ترتیب، همان طور که فرد انسان در افق آرمان خلافة الهی مسیر زندگی اش هدایت می شود، جامعه آرمانی نیز امتی است که مظهر خلافت و قدرت الهی است (بقره: 30-31). در نهایت، امت آرمانی اسلام، جامعه ای است که در امتداد «هدایت» ولی کامل الهی یعنی «امام» شکل یافته است.

گزاره های تنظیم شده در سطور فوق، دلالت های اساسی آموزه های قرآنی و تفکر حکمی اسلامی را در باب کیفیت نضج یافتن بافت اجتماعی جامعه ترسیم نموده اند. در این رهیافت، مثال اعلا ی انسان کامل و اسوه که تحقق تاریخی آن شخصیت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است و قرآن کریم از او به عنوان «اسوه حسنه» یاد می کند، معیار شناسایی ارزش های هدایت کننده رفتارهای اجتماعی قرار می گیرد؛ و بدین ترتیب، ساختارها و روابط اجتماعی، بر اساس این ارزش ها فهم شده و شکل می گیرند و در خدمت تحقق آن ارزش ها در واقعیت اجتماعی راه اندازی می شوند. این رهیافت، که از آن به «رهیافت ولایی» یاد می شود، مورد دلالت حکمت سیاسی متعالیه است. مرحوم شهید صدر نیز در کتاب *المدرسة القرآنیة* با استناد به آیات قرآن کریم این رهیافت را در قالب «نظریه مثل اعلی» ارائه نموده و بر اساس آن روند حرکت اجتماعی را توضیح داده است و سعی کرده از آن به مثابه مبنایی برای طراحی روندهای اجتماعی استفاده کند.

## 2. جهت و مقصد عالی حرکت تکاملی جامعه آرمانی اسلام

انسان کامل و انسانی که در سلک ایمان و در تراز مطلوب جامعه آرمانی قرار دارد، سالک الی الله است. به همین وزن جامعه آرمانی اسلام، سالک الی الله است (بقره: 156). بدین ترتیب، انسان و جامعه هر دو دارای حرکت اند. حرکت وجودی انسان در سیر وجودی او به عنوان «حضور و نوری آگاه»، در بطن جان و هویت

سیال او رخ می‌دهد (صدرالمتألهین، رساله سه اصل 1381، ص 16). و حرکت وجودی جامعه، حرکتی است تبعی و متقوم به حرکت وجودی افراد انسانی. بنابر این مقدمات که خود نتایج دستگاه معرفتی قرآن و سنت از زبان حکمت اسلامی هستند، مدینه فاضله انسانی یا همان مدینه النبی، جامعه‌ای است که در جاذبه ارزش یکتای توحید و عبودیت «الله» (توبه: 40) رشد یافته و تحت هدایت نبوی عمل نماید و با ایجاد مکارم در جان‌ها و برداشت فضایل اجتماعی، درک غایات اعلای اخروی را مدنظر قرار دهد. بدین ترتیب، ارزش‌های حاکم بر جامعه آرمانی اسلام، ارزش‌هایی توحیدی و نبوی و در امتداد معاد<sup>8</sup> هستند.

ارزش‌ها در این دستگاه توحیدی و نبوی اسلام دارای لایه‌ها، طبقات و انواعی هستند. درک این مراتب در راستای شناسایی شاکله و شاخصه‌های جامعه آرمانی بسیار مهم‌اند. توجه به این مراتب در واقع مسیر اخلاقی حیات انسانی را در عرصه‌های مختلف زندگی نشان می‌دهند. در بنیادی‌ترین لایه‌ها، عام‌ترین ارزش‌ها قرار می‌گیرند و جهت‌دهنده به ارزش‌های مربوط به عرصه‌ها و مواضع عمل می‌شوند.

### 3. شاکله ارزشی جامعه آرمانی

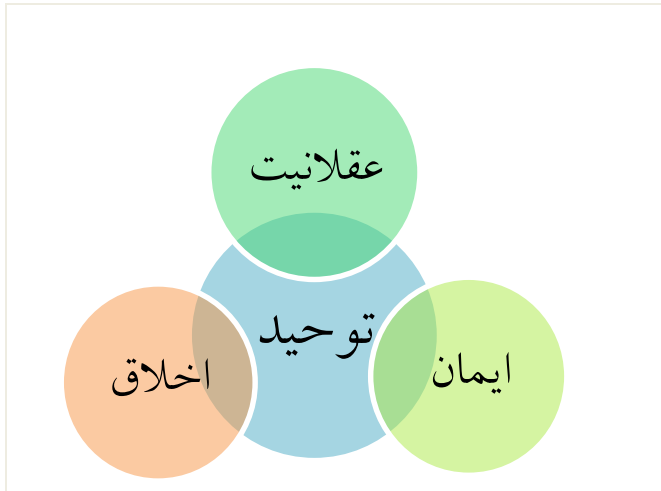
ارائه شاکله ارزشی برای جامعه آرمانی، همراه با درک صحیح ساختاری از نظام بایسته ارزشی در آن جامعه، تلاشی است در راستای هدایت فرایندهای توسعه‌ای جامعه به سوی آرمان موردنظر به گونه‌ای که مطلوبیت حداکثری به دست آید. مطلوبیت حداکثری زمانی محقق خواهد شد که در اثر احاطه ساختاری بر وضعیت‌ها و روندها بتوان اطمینان حاصل کرد که ارزشی فوت نشده یا مغفول گذارده نشده است. دستگاه کمال‌گرای معرفت و اخلاق اسلامی، یقیناً مطلوبیت‌گرا است لکن مطلوبیت را در عرض وسیع فرش تا عرش ملاحظه می‌نماید و آن را به ملاحظه نسبت هزینه و فایده مالی یا کالایی تنزل نمی‌دهد. در دستگاه ارزشی اسلام مطلوبیت‌های عرشی و ملکوتی اصالت دارند و در رأس آن‌ها عبودیت پروردگار و تعالیافتن در جاذبه ربوبیت الهی قرار دارد. در نتیجه، مطلوبیت‌های فرشی و ملکی، جنبه مقدمی و تبعی دارند و ارزش آن‌ها ناشی از تأثیری است که در درک و تحصیل ارزش‌های ملکوتی ایفا می‌کنند.

---

<sup>8</sup> معاد در برداشت حکمی و عرفانی یعنی ظهور مراتب کمال و نقصان معرفتی، قلبی و رفتاری انسان در جلوه‌های اخروی.



### 3. 1. شاخصه‌های عام جامعه آرمانی



فرهنگ و تمدن اسلامی، در سطح کلان و عام خود، دربردارنده سه حوزه از شاخصه‌های اساسی است که عبارت‌اند از حوزه «عقلانیت»، «ایمان» و «اخلاق». این هر سه شاخص در امتداد توحید و وحدانیت سرشت هستی قرار داشته و پیش، انگیزش و کنش انسان را در امتداد حقیقت «توحید» راهبری می‌نمایند.<sup>9</sup> در نگاه اسلامی، این

سه حوزه در پیوند با هم هستند. نظر، عمل و عاطفه انسان ثمره و ابعاد نفس انسان هستند (إسراء: 84). تمایز مقولی میان این سه حوزه در مقام تحلیل ذهنی و نظری، تمایزی اصیل نیست؛ و لذا این سه حوزه، در واقع سه بُعد از یک حقیقت‌اند که همان وحدت حیاتی نفس و عینیت جان فرد انسان است و به تبع فرد، در ساحت حیات جمعی انسان یعنی جامعه نیز این سه بُعد در عین تمایز مقولی و تحلیلی، وحدت ارگانیک و عینی دارند.

#### الف. شاخصه‌های حوزه عقلانیت

حوزه عقلانیت که حوزه شناخت و تبیین است، متقوم به تفکر آزادی است که منشأ آگاهی و خود تحقق‌بخشی است و انسان را در نسبت با چیستی‌ها و چگونگی‌های مبدأ، منتهای مسیر سیر حیاتی خود قرار می‌دهد؛ لذا حیث التفاتی جمعی انسان‌ها در جامعه نیز متقوم به «تفکر»، «آزادی اندیشه و نظر» و «آگاهی» است. آگاهی در اینجا یعنی درک خود و نسبت خود با کلیت هستی و شناخت مبادی، غایات و الزامات مسیر حیاتی انسان در طبیعت و جامعه. آگاهی در ساحت حیات اجتماعی انسان منجر به شناخت هویت الهی، فرهنگی و اجتماعی خود و جامعه خواهد شد. بدین ترتیب، سه شاخصه کلان حوزه عقلانیت در جامعه عبارت‌اند از «تفکر» (نوری، 1408 ه. ق: ج 11، ص 185)، «آزادی در اندیشه» (نهج البلاغه: نامه 31) و «آگاهی» و عرفان و التفات به هویت اصیل انسانی خود و جامعه انسانی. منظور از شناخت هویت خود در اینجا، معنایی عام‌تر و وسیع‌تر از هویت فرهنگی است؛ منظور درک هویت انسانی خود به‌عنوان عبد پروردگار و ولی و خلیفه الهی است که مبنای پیوند یافتن انسان‌ها با هم با وجود برخورداری از هویت‌های فرهنگی متنوع است. چنین درکی که ثمره «عقلانیت توحیدی» است در اثر تفکر آزاد به دست می‌آید، تفکری که چون آزاد است همراه است با اشتیاق،

<sup>9</sup> وجه فطری انسان مفسور الهی است. این وجه فطری در تناسب تام با دین حق و دین حق در تناسب تام با آن است (روم: 30)

خودجوشی، عزیمت از ابتدای بر عادات سنجیده‌نشده و رفتارهای شرطی‌شده فردی و اجتماعی، مسئولیت و حرکت روحی فرد و اجتماع از خلال تجارب روزمره و عصری؛ و در نتیجه، همراه است با رشد عقلانی و وجودی فرد و جامعه.

### ب. شاخصه‌های حوزه ایمان

حوزه ایمان، حوزه اعتقاد، تسلیم و تقرب در برابر حقیقت مطلق الهی است. متناظر با این سه وضعیت، سه شاخص «معرفت»، «عبودیت» و «تعالی» مقوم حقیقت ایمان هستند؛ در جامعه ایمانی نیز همین سه شاخص امتداد می‌یابند؛ و لذا جامعه ایمانی، جامعه‌ای است که عارف به خداوند و حق الهی است و در امتداد این معرفت، منقاد در برابر شریعت و ولی امری است که به حکم شرع تدبیرگر حوزه عمومی است؛ و در نتیجه در مسیر تعالی قرار دارد؛ چراکه شناخت امر الهی و احیای آن در ساحت حیات فرد و جامعه، موجب رشد معنوی و قرب الی الله می‌شود. جامعه ایمانی، جامعه ولایی است. در جامعه ایمانی، نسبت‌های مدنی سرشتی ولایی دارند (توبه: 71). این عبارت بدان معناست که نسبت‌ها، تابع مسئولیت‌هایی است که افراد در قبال یکدیگر به‌عنوان مؤمنان دارند. اهل ایمان برادر یکدیگرند (حجرات: 10) و نسبت به سرنوشت یکدیگر سرپرست و مسئول‌اند. سرشت ولایی نسبت‌های مدنی، هنجارها و قواعد رفتاری را در جامعه، تابع مسئولیت‌های ایمانی مؤمنان در قبال یکدیگر می‌گرداند؛ و لذا آنچه وظیفه شمرده شده «اصلاح امور» است. اصلاح تنها معطوف به حل اختلاف نیست، «اصلاح» در معنایی بسط یافته یعنی «حل مشکل»؛ چراکه اختلافات اغلب از وجود تنگناها به وجود می‌آیند. از این رو، توسعه و بسط امکانات در جامعه می‌تواند برطرف‌کننده بسیاری از اختلافات و مشکلات باشد. بدین ترتیب، جامعه ایمانی، جامعه‌ای کمال‌گرا است و منطق تکثیر کمال و تعالی در آن، نهفته در انگیزش‌های قوی ایمانی نزد افراد جامعه است.

### ج. شاخصه‌های حوزه اخلاق

در حوزه اخلاق که حوزه هنجارگذاری برای تربیت نفوس است، جوانب جوانجی و جوارحی وجود انسانی به‌گونه‌ای بایستی تربیت و پرورش یابند که عموم مکارم و فضایل بتوانند بروز یابند و ساحات اندیشه، تمایل و رفتار افراد در خلوت و جلوت و در همه ساختارهای اجتماعی از منزل تا مدینه، بهره‌مند و مصفا به نیکی باشند. حکمای الهی با تکیه بر معیار «اعتدال» و با نظریه مشی و سلوک تربیتی اولیای دین، چهار فضیلت را به‌عنوان فضایل مادر و پایه معرفی نموده‌اند که عبارت‌اند از حکمت، عدالت، عفت و شجاعت (ر.ک: ابن مسکویه، 1384، ص 38) این فضایل از آن جهت امهات فضایل‌اند که به‌غیر از فضیلت عدالت که خود معیار اخلاق است،

بقیه فضایل، حد میانه قوای نفس انسان‌اند و در نظر حکما اگر قوای نفس معتدل و عادلانه عمل کنند همه اقلیم نفس انسان سامان‌یافته و فضایل دیگر نیز شکوفا خواهند شد. این استدلال در خصوص حیث التفاتی جمعی انسان‌ها یا قوای اجتماعی نیز صادق است. بدین معنا که گسترش عدالت در سپهر انواع تعاملات انسانی موجب نشو فضایل جمعی خواهد شد. فضایی که حکیمانه، عقیفانه و شجاعانه هستند.

مراد از «حکمت» در اینجا حکمت عملی است و لکن باید توجه داشت که حکمت عملی، در امتداد حکمت نظری است. در نتیجه، نظر ناقص، رأی علیل به بار می‌آورد و نظر صحیح، رأی سلیم. حکمت، در نهاد فرد و اجتماع، رأی محکم و مستدل را افاده نموده و موجب «حقانیت» و «تدبیر»<sup>10</sup> مناسب در نسبت‌های فردی و اجتماعی می‌شود. عدالت به معنای عام، در این موقف، شامل عدالت فردی و اجتماعی است؛ چراکه بسط عدالت اجتماعی و تکثیر آن در وضعیت‌های عمومی، ریشه در عدالت‌ورزی افراد دارد. چنان‌که امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) هم در نامه 31، یعنی وصیت به امام حسن (علیه‌السلام) و هم در نامه 53، یعنی عهدنامه مالک اشتر (رحمه‌الله) مبنای ضرورت رعایت عدالت در قبال دیگران یا عدالت اجتماعی را بر اساس قاعده طلایی اخلاق تبیین و مستدل کرده‌اند (نهج‌البلاغه: نامه 31؛ و 53). عفت، به معنای پاک‌دامنی پرهیز از آلودگی به معصیت است. این معنا به وضعیت معتدل شهوت گفته می‌شود. در ساحت حیات اجتماعی رعایت عفت یعنی پرهیز از بزهکاری و زیرپاگذاردن حریم‌های الهی و مردمی. شجاعت، در معنای فردی‌اش یعنی حالت اعتدال یافته قوه غضب، این فضیلت در وضعیت اجتماعی یعنی وجود صلابت و دقت در عملکرد قوای قضایی، حقوقی، انتظامی و امنیتی در پاسداری از حریم عمومی و حقوق شرعی و موضوعه.

### 3. 2. شاخصه‌های ارزشی عام ساختار دهنده به تعاملات و فرایندهای اجتماعی در جامعه آرمانی

شاخصه‌های بیان‌شده در سطور فوق، شاخصه‌های ارزشی محتوایی و عام جامعه آرمانی فرهنگ و تمدن اسلامی در سه حوزه عقلانیت، ایمان و اخلاق هستند. در ادامه، شاخصه‌های ارزشی عام ساختاردهنده به تعاملات و فرایندهای اجتماعی، در جامعه آرمانی مورد تذکر قرار می‌گیرند.

منظور از شاخصه‌های ارزشی عام ساختار دهنده به تعاملات و فرایندهای اجتماعی یا منطق ارزشی تعاملات اجتماعی در جامعه آرمانی اسلام، آن‌گونه ارزش‌هایی هستند که برای همه عرصه‌های اجتماعی از حوزه فرهنگ (بالمعنی الأخص) و هنر گرفته تا سیاست و اقتصاد، علاوه بر جهت‌دهندگی و محتوایبخشی ارزشی، ساختار آفرین و منطق‌گذار هستند. قدرت رهیافت اجتماعی یک پارادایم یا گفتمان یا مکتب در آن است که بتواند با وفای به

<sup>10</sup> «قوام العیش حُسْنُ التَّوْبَةِ وَ مَلَائِكَةُ حُسْنِ التَّدْبِيرِ» (لیثی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ، حسنی بیرجندی، حسین قم،

ارزش‌های مندرج در ابعاد مختلف حیات مادی و معنوی انسان، طرحی از سازمان‌دهی اجتماعی ارائه دهد که ابعاد مختلف نیازها و عملکردهای لازم برای حیات فردی و اجتماعی انسان را ایجاد نماید؛ نه رهیافت‌های رُهبانی و نه سکولاریسم، هیچ‌یک مطابق با سرشت انسان و طبیعت نیستند (هود: 61؛ حدید: 27). با توجه به این مقدمه مختصر، به نظر می‌رسد در نگاه توحیدی و ولایی رهیافت قرآنی به تعاملات اجتماعی انسان، سه شاخص اساسی یا سه ارزش‌ساختار دهنده قابل درک هستند. این سه ارزش‌ساختار دهنده مبنایی، عبارت‌اند از نظم (انضباط)، تعاون و احسان.

نظم، جلوه مشخص تقدیر و قضای الهی است (ملک: 3). نظام خلقی و خلقی هر دو محقق بر اساس این اصل‌اند. نظم و انضباط در حیات روحی، روانی و رفتاری انسان، یعنی تطبیق یافتن با بایستگی‌های الزام یافته از سوی دستگاه مقدر الهی، چه در بُعد خلقی و تکوینی و چه در بُعد روحی و امری؛ البته در دستگاه نظری معارف و حکمت و عرفان اسلامی این دو بُعد درهم تنیده‌اند؛ چراکه کالبد بر روح استوار است و به قدرت آن نشو و نما دارد (صدوق، 1408 ه. ق، ج 1، ص 359). در بُعد اجتماعی، نظم ساختار اساسی حرکت و فرایند تکاملی اجتماع است و بدون رعایت نظم ناشی از نظام ارزش‌ها، هنجارها و قواعد عمومیت یافته در ساختار فرایندها و سازمان‌های نهادینمی‌توان عملکردهای مورد انتظار از نقش‌های مختلف اجتماعی را محقق نمود. دقیقاً به همین دلیل، نظم در کنار «تقوا» که معیار رشد معنوی و فردی است، معیار رشد اجتماعی است و مورد تأکید و تذکر مستمر اولیای دین قرار گرفته است (نهج البلاغه: نامه 47).

تعاون‌نیا مشارکت، به‌عنوان منطق رفتارهای اجتماعی به نحو همدلانه و خردمندانه در راستای نیل به دستاوردی مادی یا معنوی مورد تأکید فراوان نظریه‌های اجتماعی معاصر است. بسیاری از نظریه‌های اجتماعی معاصر به‌خصوص قرائت‌های مختلف لیبرال دموکراسی و نهادگرایی، ارزش‌های محتوایی و ساختاری سازمان اجتماعی را بر مبنای «توافق جمعی» فهم نموده و استوار می‌سازند (رک: راولز، صص 74-57). تعاون و مشارکت مورد تأکید فراوان رهیافت اجتماعی قرآن و سنت اسلامی است (مائدة: 2)، با این ملاحظه بسیار مهم که تعاون و توافق در رهیافت اجتماعی قرآن تنها منطق ساختاری انجام امور اجتماعی است و ارزش‌های جهت‌دهنده و محتوایی وابسته توافق عمومی نیستند بلکه ارزش‌ها، حقایقی ذاتی هستند که در سرشت هستی و واقعیت نفس‌الامری جاری و محقق‌اند.

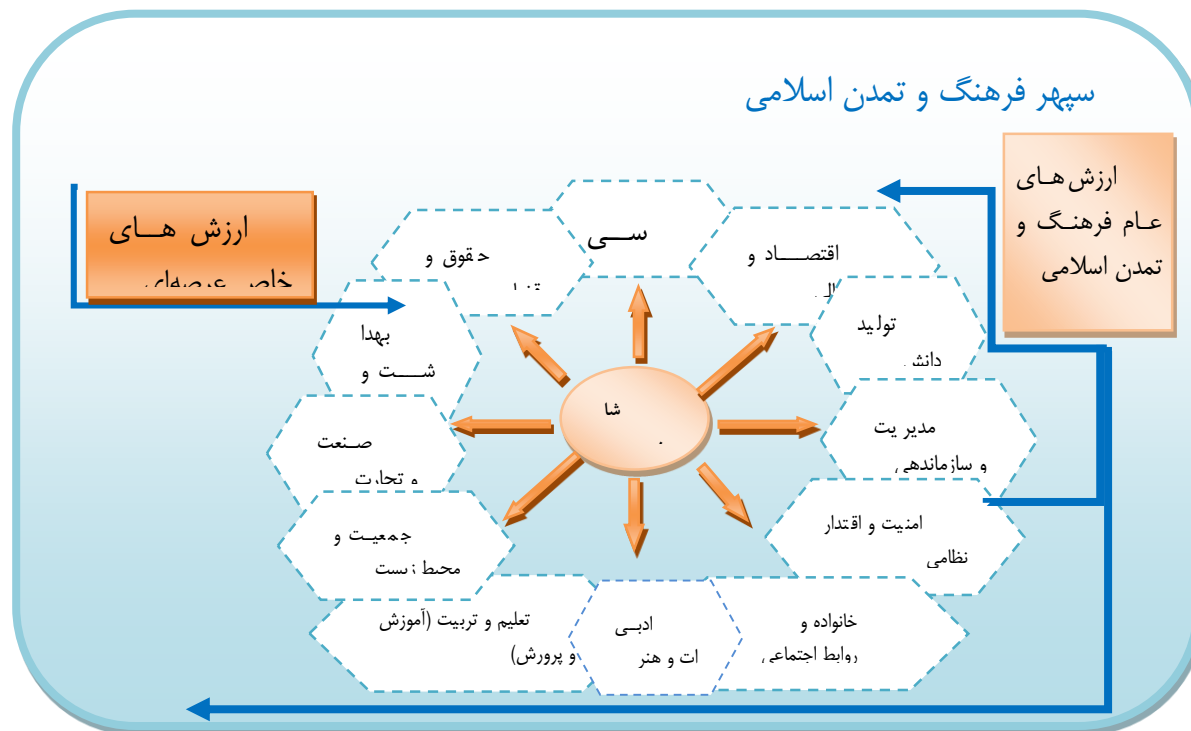
تعاون و مشارکت در جامعه ولایی و آرمانی رهیافت اسلامی، جدای از ارزشی که به خاطر ساختار دهندگی اجتماعی دارد، چون امکان توجه و احسان به دیگران را فراهم می‌آورد نیز ارزشمند است. در واقع، آنچه تعاون را به‌طور مضاعف ارزشمند می‌نماید «احسان» و «تعاطف» ایمانی است (حکیمی، 1374، ج 5، ص 102). از این جهت، تعاون در منظومه معرفتی و اخلاقی اسلام علاوه بر ساختار دهندگی به روندها و رفتارهای

عمومی، موجب رشد اخلاقی و معنوی فرد نیز هست؛ چراکه او با نیت و انگیزه‌ای ایمانی و الهی وارد فرایندهای اجتماعی می‌شود.

## 2.2. عرصه‌های عرضی ارزش‌های جامعه آرمانی در حوزه عمومی

در حوزه اخلاق عمومی، عرصه‌های شناختی، انگیزشی و رفتاری متعدد و متنوعی را شاهدیم؛ حوزه فرهنگ (بالمعنی الاخص)، تولید دانش، تعلیم و تربیت، خانواده و روابط اجتماعی، سیاست، حقوق و قضا، اقتصاد، صنعت و تجارت، محیط‌زیست، مدیریت و سازمان‌دهی، امنیت و اقتدار نظامی، بهداشت و درمان. هر یک از این حوزه‌ها از منظر گستره عملکرد دارای ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. همچنین هر یک از این عرصه‌ها از لحاظ اخلاقی، در جاذبه یک یا چند ارزش محوری هدایت می‌شوند؛ لکن نکته مهم آن است که تمامی ارزش‌های هدایت‌کننده عرصه‌های یادشده در امتداد شاخص آرمانی و ارزش‌های ناظر به فرهنگ آرمانی است که ابعاد ارزشی دانش، انگیزش و کنش خود را تشخیص می‌دهند.

حوزه‌های یادشده در بستر فرهنگ و آرمان‌القایی از سوی فرهنگ (بالمعنی‌الاعم)، ارزش‌های اخلاقی عملکردهای خود را تشخیص می‌دهند. این حوزه‌ها، حوزه‌های متداخل و به‌مثابه ظروف مرتبطه با هم هستند. عملکردهای تخصصی در هر حوزه، حسب دانش فراهم آمده در آن‌حوزه (دانش فنی و عملکردی)، چنانچه با ارزش‌های متعالی فرهنگ قرآن و سنت هدایت شوند منجر به کارایی و برکت می‌شوند (أعراف: 96). علاوه بر این، ارزش‌های عام فرهنگی در هر حوزه، حسب سپهر مفهومی، ساختار نظری و اهداف عملکردی موجود در آن حوزه، تعبیر و روگرفت‌های تخصصی پیدا کرده و ارزش‌های هدایت‌گر خاص آن حوزه را فراهم می‌آورند (أعراف: 10).



### 3.3. شاخصه‌های ارزشی عرصه‌ای در جامعه آرمانی

در ادامه، شاخصه‌های ارزشی عرصه‌های مختلف اجتماع انسانی مورد اشاره قرار می‌گیرند. این شاخصه‌ها، ترجمان شاخصه‌های عام فرهنگ و تمدن اسلامی در حوزه‌ها و عرصه‌های زندگی هستند که پیش‌تر معرفی شدند. با توجه به این‌که چشم‌انداز جامعه آرمانی بایستی در کمال ایجاز، افق کلانی از مطلوبیت را نشان دهد لذا در تبیین شاخصه‌های عرصه‌ای در هر حوزه به بیان یک یا چند شاخص ارزشی محوری و رئیسی می‌پردازیم. این شاخص یا شاخص‌های ارزشی ذیل چتر مفهومی خود به شبکه وسیعی از مفاهیم دیگر که محقق‌کننده عملکرد مورد نیاز در آن عرصه هستند دلالت دارند؛ و درواقع، آن شبکه مفهومی در هر عرصه، به‌مثابه بسط ارزش‌های عام بالادستی در موضوع هر عرصه هستند.

### الف. شاخصه‌های جامعه آرمانی در حوزه ادب و هنر

در عرصه ادب و هنر، «هویت‌مندی فرهنگی و ملی»، «فرزانگی» به معنای بهره‌مند بودن جامعه از حافظه فرهنگی-تاریخی خود و وفاداری به ارزش‌های نیکو و والای آن، «آفرینش‌گری» و «پویایی ادبی، زبانی و بیانی» شاخصه‌های محوری هستند. زبان در معنای عام خود به معنای رسانه و انتقال‌دهنده شعور، آگاهی و احساسات، ابعاد بیانی و گونه‌های مختلفی دارد. زبان دارای سه بُعد نمادی، بیانی و رفتاری است؛ و این هر سه بُعد انعکاس‌دهنده اخلاقیات یک قوم، اجتماع و فرهنگ است. فرهنگ، ادب و هنر اسلامی، توحیدی و مصداق «ذکر» است (گیلانی، 1400 ه ق، ص 20). این فرهنگ و ادب حول ادب توحیدی و الهی امام خود که ولی تام الهی است نضج می‌گیرد (صفار، 1404 ه ق، ج 1، ص 379). بدین ترتیب، همه جلوه‌های اجتماعی فرهنگ، ادب و

هنر اسلامی در مدار توجه به خداوند و عبودیت حق تعالی شکل گرفته، مجلای تجلی اسما و صفات الهی هستند؛ از زبان عامیانه تا شعر و هنرهای تجسمی و غیرتجسمی و تا معماری و موسیقی و خلاصه همه ابعاد آفرینش‌گری‌های ذوقی و روابط عرفی و اجتماعی بایستی حول محور فضایل نیکویی بچرخند که وجود ولی خدا اسوه و نماد آن است. درک و تحصیل این شاخصه‌ها موجب حفظ میراث ارزشمند ادب و هنر و استمرار پویایی و شکوفایی خلاقانه آن فرهنگ و ادب در هر دوره و زمان خواهد شد.

### ب. شاخصه‌های جامعه آرمانی در حوزه تولید علم

در حوزه تولید علم، «نوآوری»، «بالندگی» و «سرآمدی» علمی بدنه دانش مهم‌ترین شاخص‌ها هستند.<sup>11</sup> برای این منظور لازم است بدنه نهادی و سازمانی دانش، یعنی دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مؤسسات تحقیق و توسعه مورد حمایت قرار گرفته و حجم متناسبی از نیروی انسانی در این زمینه به کار گرفته شوند تا بتوانند حرکت تحولی جامعه را به سوی پیشرفت، حمایت و راه‌اندازی نمایند. هدف نهایی در این حوزه آن است که جغرافیای ایران اسلامی تبدیل به جغرافیا و قطب جهانی تولید علم و فناوری شود. نکته بسیار مهمی که در این حوزه بایستی مدنظر باشد این است که تولید دانش، بستر توسعه انسانی است. از این رو، علاوه بر آورده نهایی تولید دانش که عبارت است از پیشرفت کشور در حوزه‌های مختلف، حرکت جریان علم و دانش در کشور باعث شکوفایی استعدادهای انسانی و خلاقیت‌های نخبگانی نیز خواهد شد که این اتفاق فی‌نفسه و جدای از دستاوردهایش، دارای اهمیت فوق‌العاده و بلکه بیش‌تری است؛ چرا که پیشرفت و توسعه خوب و ارزشمند در خدمت انسان و بسط توانمندی‌ها و آزادی‌های انسان است.

### ج. شاخصه‌های جامعه آرمانی در حوزه خانواده و روابط اجتماعی

در حوزه خانواده و روابط اجتماعی «پایداری نظام خانواده» (حر عاملی، 1409، ج 20، ص 14) به‌عنوان هسته مرکزی ساختار اجتماعی، بر اساس شاخصه‌های ارزشی و تربیتی اسلام و برقراری پیوندهای عمیق عاطفی میان افراد<sup>12</sup>، در کنار «صداقت مدنی»، «قانون‌گرایی» و هنجارمندی<sup>13</sup> و سطح بالای «رضایت اجتماعی» و «اعتماد

<sup>11</sup> «عن علی (علیه السلام): العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه.»

<sup>12</sup> «لقب الراوندی فی لب اللباب قال النبی (صلی الله علیه و آله): مَنْ یضمّن لی بید الوالدین و صلیة الرحم أضمن له کثرة المال و زیادة العُمر و المَحَبَّة فی العَشیرة.» (بروجردی، آقا حسین،

جامع احادیث الشیعة (للبروجردی) (31 جلد)، تهران، فرهنگ سبز، چاپ اول، 1386، ج 26، ص 888)

<sup>13</sup> قانون‌گرایی و هنجارمندی یعنی وفاداری به حقوق متقابل و حفظ امانت سرمایه اجتماعی. این معنا با تعابیر متفاوت مورد تأکید،

عمومی» که عمده‌ترین عوامل ارتقای سطح سرمایه اجتماعی هستند شاخصه‌های محوری جامعه آرمانی هستند. با لحاظ منطق ساختاری روابط اجتماعی که پیش‌تر بیان شد، ساحت اجتماع آرمانی اسلام، ساحت تعاون بر نیکی‌ها با نیت احسان است به گونه‌ای که در روابط اجتماعی شاهد هنجارمندی، رضایت و اعتماد باشیم. این اتفاق زمانی می‌افتد که عرصه عمومی، عرصه تحقق فضایل و مکارم اجتماعی باشد. راستگویی، ادای امانت (طوسی ج اول، 1414، ص 676)، وفای به عهد (حلوانی، 1408، ص 93)، رعایت انصاف، نیکی به دیگران (کلینی، 1407، ج 2، ص 145)، تعاون (مفید، 1413، ص 808)، انفاق (آمدی، 1410، ص 819)، پرداخت زکات اموال (حر عاملی، ج 9، ص 211) و بسیاری فضایل مدنی دیگر در کنار توجه به تربیت نسل آینده و انتقال ارزش‌های اخلاقی به ایشان در خانواده و جامعه، کلیدهای توسعه، پیشرفت و وفور نعمت‌ها و رزق هستند.

#### د. شاخصه‌های جامعه آرمانی در حوزه سیاست

مهم‌ترین شاخص در حوزه حاکمیت سیاسی، بسط جهانی «قدرت و اقتدار سیاسی» گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت است. در این راستا همه ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی و عرصه‌ای باید به میدان آورده شوند. «حفظ کرامت سیاسی»، «مشارکت سیاسی» بالا و فعال، «استقلال سیاسی»، «پایداری و وحدت ادبیات و رویه سیاسی» در حوزه سیاست داخلی و خارجی شاخصه‌های پیرامونی هستند. شاخصه‌هایی‌آید شده در صورت تحقق، موجب بسط گفتمان انقلاب اسلامی و سیادت و «رهبری» سیاسی آن در فضای بین‌الملل خواهند شد. گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمان دیانت و معرفت است و تحقق آن با تحقق جامعه آرمانی اسلام ملازم است.

#### ه. شاخصه‌های جامعه آرمانی در حوزه اقتصاد، صنعت و تجارت

در حوزه اقتصاد و صنعت، اساسی‌ترین مسئله «رونق تولید» است و در نتیجه تولید ثروت و ارزش افزوده است. رونق تولید موجب اشتغال شده و اشتغال در اثر آورده مالی برای افراد جامعه محرک بازار و باعث افزایش یافتن تقاضا نسبت به کالاها و خدمات می‌شود. مجموعه عملکردهای اقتصادی و صنعتی باعث راه افتادن چرخه تجارت می‌شود. در زمینه تجارت، نیل به تراز تجاری مثبت شاخص راهبری کننده است؛ چراکه موجب رونق تولید و افزایش ثروت ملی و درآمد سرانه می‌گردد. همه این چرخه عملکردهای اقتصادی، صنعتی و تجاری در امتداد «تأمین رفاه» و «شکوفایی امکانات» جامعه قرار دارند. این هر دو برای پیشرفت لازم‌اند. پیشرفت در جامعه تنها ناظر به رفاه نیست بلکه علاوه بر تأمین رفاه برای آحاد افراد جامعه، درک فعلیت‌یافتگی‌های بیشتر در حوزه‌های

---

سفارش و دستور آموزه‌های دینی است؛ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): الْبِرُّ وَحُسْنُ الْجَوَارِ زِيَادَةٌ فِي الرِّزْقِ، وَعِمَارَةٌ فِي الدِّيَارِ.» (عده ای از علماء، الأصول الستة عشر، قم، مؤسسه دار الحديث الثقافية، چاپ اول، 1423 ه ق / 1381 ه ش، ص 245) بدین معنا که نیکی و رعایت حسن همجواری و همسایگی باعث زیادی رزق و آبادانی و توسعه سرزمین‌ها خواهد شد.



مختلف اقتصادی، صنعتی و اجتماعی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، فی‌نفسه موضوعیت دارد.<sup>۱۴</sup>

### و. شاخصه جامعه آرمانی در حوزه امنیت

امنیت یعنی بهره‌مند بودن از مصونیت در برابر مخاطراتی که حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها را در وضعیت اجتماعی تهدید می‌نمایند. در روایات منقول از معصومان (علیهم‌السلام) از لزوم وجود سه گونه امنیت یاد شده یعنی امنیت جان، امنیت آبرو و حیثیت فردی و اجتماعی و امنیت مالی یا اقتصادی. امنیت مقوله بسیار مهمی است از آن جهت که امنیت پای‌بست توسعه و پیشرفت یک جامعه است. گستره موضوعی امنیت در ادبیات معاصر مطالعات امنیت بسیار توسعه یافته و شامل همه ابعاد مخاطرات فردی و جمعی می‌شود. فی‌المثل، «امنیت شغلی»، «امنیت اقتصادی خانوار»، «امنیت سلامت»، «امنیت محیط‌زیست»، «امنیت در برابر گروه‌های سازمان‌یافته جنایی» و «امنیت در برابر دولت‌های متجاوز و متخاصم» و بسیاری حوزه‌های دیگر که دغدغه‌های امنیت انسانی در سراسر جهان محسوب می‌شوند.<sup>۱۵</sup> بدین ترتیب، «امنیت» به‌عنوان یک شاخص کلان که ذیل خود حوزه وسیعی از مفاهیم و مباحث را جای داده یکی از شاخصه‌های مهم جامعه آرمانی است (برقی، 1371 ه ق، ج 1، ص 9).

### ز. شاخصه محوری جامعه آرمانی در حوزه مدیریت و سازمان‌دهی

مهم‌ترین مسئله در حوزه مدیریت و سازمان‌دهی، مسئله «بهره‌وری» است. حوزه وسیعی از مطالعات، مباحث و مفاهیم ذیل این شاخص محوری قرار گرفته در فرایند بینشی، انگیزشی و کنشی مدیریت سازمان نقش‌آفرین‌اند. بهره‌وری در پیوند با دو مفهوم اساسی «کارایی» و «اثربخشی» قرار دارد. بهره‌وری نتیجه کارایی عملکرد سازمان در نیل به دستاوردهای تولیدی و اثربخشی آن دستاوردها در نیل به اهداف از پیش تعیین شده در چشم‌انداز سازمان است. بهره‌وری متضمن «صرفه‌جویی» در مصرف و هزینه توانمندی‌ها در راستای نیل به دستاوردها و سنجیده نمودن عملکردها در راستای تأمین اهداف است. بهره‌وری دارای سطوح مختلف فردی، گروهی (کاری یا آموزشی)، سازمانی، ملی و جهانی است. بهره‌وری همه ابعاد فعالیت‌های اجتماعی انسان (اقتصادی، صنعتی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و...) را شامل می‌شود. برای نیل به بهره‌وری دو دسته مؤلفه‌ها نقش‌آفرین‌اند؛ الف) مؤلفه‌های ساختاری و فرآیندی، ب) مؤلفه‌های ارزشی و انگیزشی. تألیف سنجیده این دو گونه مؤلفه در سازماندهی سازمان، کاری و تدبیر امور، موجب نیل به بهره‌وری و صرفه‌جویی در هزینه‌ها خواهد شد (کلینی، ج 6، ص 460). در مقابل، عدم مدیریت صحیح منابع و امکانات در ضمن عملکردهای سازمانی، عامل اساسی فقر

<sup>۱۴</sup> در روایات اسلامی، روایات فراوانی در تشویق به کار و تولید، استقلال معیشتی، جلب رزق حلال و ارزش رفاه و توسعه مالی

داشتن وارد شده است، از جمله رک: نوری، همان، ج 11، ص 217؛ حر عاملی، همان، ج 17، ص 42؛ ج 19، ص 35

<sup>۱۵</sup> UNDP, Human Development Report 1994, Oxford University Press, New York and Oxford, 1994.

و نابسامانی اقتصادی و اجتماعی است (ابن‌ابی‌جمهور، 1405، ج 4، ص 39).

### ح. شاخصه محوری جامعه آرمانی در حوزه جمعیت و محیط‌زیست

در حوزه جمعیت، وجود «تراز بالای جمعیت سالم و بانشاط» به‌عنوان سرمایه‌های ارزشمند انسانی یکی از محوری‌ترین شاخصه‌های جامعه آرمانی است.<sup>6</sup> در حوزه محیط زیست و طبیعت «بهره‌برداری و بازسازی مجدد از طبیعت» یکی دیگر از بایسته‌های جامعه آرمانی است (ابراهیم: 32؛ الملک: 15؛ هود: 61؛ عبس: 32-24؛ أعراف: 56). در واقع، در اختیار داشتن طبیعتی سرزنده و زیبا به‌عنوان بستر حیات طبیعی و روحی انسان، به‌گونه‌ای که به نحو پایدار از نسلی به نسل دیگر منتقل شود، از الزامات جدی جامعه آرمانی است. در همین راستا، صیانت، پایش و تأمین سلامت بیولوژیک خاک و آب و محیط‌های طبیعی (دریا، دریاچه، رودخانه، جنگل، مرتع، باغستان، دشت، کویر) و حراست از اکولوژی و زنجیره طبیعی پدید آمده در طول سالیان متمادی در یک محیط طبیعی و مصون نگه‌داشتن آن از دستبرد تخریب‌کنندگان محیط طبیعی، از جمله بایسته‌های جامعه آرمانی اسلامی است و نسبت بدان تأکید فراوانی شده است (ابن شعبه حرانی، 1404 / 1363، ص 320).

### ط. شاخصه محوری جامعه آرمانی در حوزه تعلیم و تربیت

شاخصه محوری در حوزه تعلیم و تربیت، «پرورش» و «شکوفنده ساختن» استعدادهای نسل آینده بر اساس ارزش‌های متعالی عقلانی و اخلاقی مورد اشاره فرهنگ و ادب اسلامی است. این بدان معناست که نسل آینده در جریان تعلیم و تربیت باید برای به عهده گرفتن بار مسئولیت‌های مدنی و حرفه‌ای آماده شود. تعلیم و تربیت باید بتواند در کنار آموزش فنون و مهارت‌ها، تفکر، اخلاق، مدنیت و فرهنگ اسلامی-ایرانی را به نسل‌های فعال آینده منتقل نماید؛ بنابراین تعلیم و تربیت در نگاه آرمانی اسلامی همراه است با پیوند یافتن دانش و ارزش یا علم و

---

<sup>6</sup> اعلامه طباطبایی (رحمة الله علیه) در المیزان و ذیل آیه سوم از سوره نساء ضمن توجه به دلایل تعدد زوجات، به این نکته مهم اشاره دارد که زیادی جمعیت و آباد نمودن زمین به دست اجتماع مسلمان به‌گونه‌ای که موجب رفع شرک و فساد شود از مهم‌ترین مقاصد شریعت است: «من أهم المقاصد عند شارع الإسلام تكثير نسل المسلمين و عمارة الأرض بید مجتمع مسلم عمارة ترفع الشرک و الفساد». (طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ششم، 1421 ه ق، ج 4، ص 189) همچنین روایات باب «استحباب الاستیلاذ و تکثیر الأولاد» در جلد 21 کتاب تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه به همین معنا دلالت دارند. از جمله روایات وارده در این مقام این روایت از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) است که «... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَكْثَرُوا الْوَالِدَ أَكْثَرَ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا» (حر عاملی، محمدبن‌حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه (30 جلد)، قم، مؤسسه آل‌البت (علیهم‌السلام)، چاپ اول، 1409 ه ق، ج 21، ص 358).

اخلاق و ادب در تعلیم و تربیت؛ چنان‌که تزکیه و تعلیم رسالتی انبیایی است (آل عمران: 164). نکته مهم آن است که تزکیه و رشد روحی، عقلانی و ایمانی بر تعلیم علوم و فنون تقدم دارد؛ چراکه علم در جان نیکو و باطهارت است که برکت می‌آفریند و ثمره خیر به بار می‌آورد (الأعراف: 58).

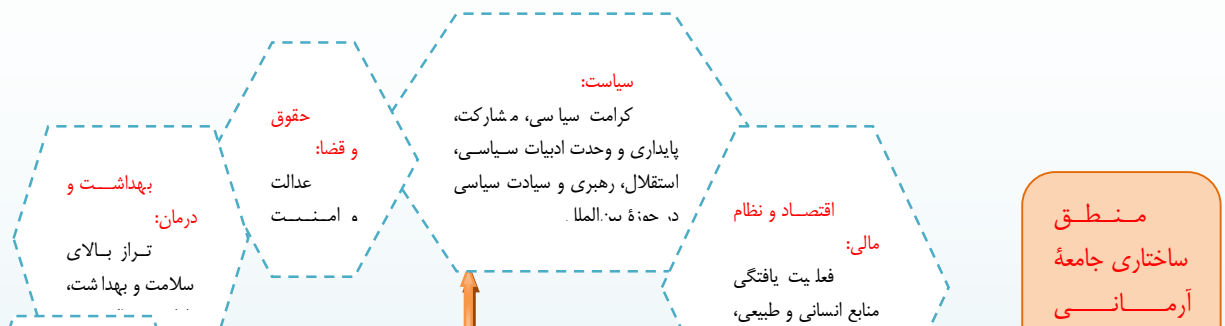
### ی. شاخصه محوری جامعه آرمانی در حوزه بهداشت و درمان

شاخصه محوری در حوزه بهداشت و درمان، «تراز بالای سلامت» و شاخص «طول عمر مؤثر» یا عمر بیولوژیکی است. بهداشت و سلامت روانی و جسمانی هر دو بایستی به نحو شایسته‌ای تأمین شوند تا متعاقب آن نشاط، پویایی و تحرک بالا حاصل آید.<sup>۱۷</sup>

### 4. خاتمه: شبکه مفهومی-ارزشی جامعه آرمانی در امتداد تحقق ولایت الهی

مفاهیم گسترده و وسیع ارائه شده در این متن، به‌عنوان شاخصه‌های ارزشی جامعه آرمانی، یک منظومه ارزشی از وحدت به کثرت را شکل داده‌اند. تمامی این ارزش‌ها در نسبت عینی و انضمامی با یکدیگر قرار دارند. جامعه آرمانی اسلام، جامعه توحیدی است از آن جهت که تمامی جهت‌گیری‌ها، محتوا و ساختارهای خود را بر اساس رهیافت توحیدی درک نموده و محقق می‌نماید؛ و همه امکانات فردی و اجتماعی انسان را در خدمت ارزش‌های الهی و شکل یافتن انسانی در تراز ولی خدا قرار می‌دهد. در این رهیافت همان‌طور که فرد از هر دو حیث معرفت و سلوک یا نظر و عمل، ذوب در حق است، شناخت و رفتار جامعه نیز ذوب و فانی در حق است. چنین جامعه‌ای در بُعد شناختی‌اش تحت هدایت ولی خدا است و در بُعد عمل و سلوکش تحت ولایت، هدایت و تدبیر ولی خداست. از این رو، جامعه آرمانی در رهیافت معرفتی، اخلاقی و رفتاری اسلام، جامعه ولایی است.

## سپهر فرهنگ و تمدن اسلامی





## منابع

1. ابن أبي جمهور، محمد بن زين الدين؛ *عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة* (4 جلد)، قم، دار سیدالشهداء للنشر، چاپ اول، 1405 ه ق.

2. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله) (1 جلد)، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، 1404 ه ق / 1363 ه ق.
3. ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، زاهدی، چاپ هفتم، 1384.
4. ارسطو، سیاست، ترجمه عنایت، حمید؛ تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، چاپ پنجم، 1387.
5. افلاطون، دوره آثار افلاطون (4 جلد)، ترجمه لطفی، محمدحسن؛ تهران، خوارزمی، چاپ سوم، 1380.
6. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن (2 جلد)، قم، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، 1371 ه ق.
7. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعہ (للبروجردی) (31 جلد)، تهران، فرهنگ سبز، چاپ اول، 1386.
8. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم (1 جلد)، قم، دار الکتب الاسلامی، چاپ دوم، 1410 ه ق.
9. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعہ إلى تحصیل مسائل الشریعہ (30 جلد)، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، 1409 ه ق.
10. حکیمی، محمدرضا، الحیاء (6 جلد)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، 1374.
11. حلوانی، حسین بن محمد، نزهه الناظر و تنبيه الخاطر (1 جلد)، قم، مدرسه الإمام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ اول، 1408 ه ق.
12. دارتیگ، آندره؛ پدیدارشناسی چیست؟، ترجمه نوالی، محمود؛ تهران، سمت، چاپ چهارم، 1387.
13. راولز، جان؛ عدالت به مثابه انصاف، ترجمه ثابتی، عرفان؛ تهران، ققنوس، چاپ چهارم، 1392.
14. ریترز، جورج؛ نظریه جامعه شناسی، ترجمه نایبی، هوشنگ؛ تهران، نی، چاپ اول، 1393.
15. سیدمن، استیون؛ کشاکش آرا در جامعه شناسی، ترجمه جلیلی، هادی؛ تهران، نی، چاپ پنجم، 1392.
16. صدر، سید محمد باقر؛ المدرسه القرآنیة، قم، مرکز الأبحاث و ادراسات التخصصیة للشهید صدر، چاپ چهارم، 1434 ه ق.
17. صدر المتألهین، رساله سه اصل، تصحیح و تعلیق نصر، سید حسین؛ تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، چاپ اول، 1381.
18. صدوق، علل الشرایع (2 جلد)، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ اول، 1408 ه ق.
19. صفار، محمد بن حسن؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صلی الله علیه و آله)، محقق و مصحح کوچه باغی، محسن؛ قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، 1404 ه ق.
20. طباطبایی، محمد حسین؛ اصول فلسفه و روش رئالیسم (مجموعه آثار شهید مطهری جلد 6)، تهران، صدرا، چاپ چهارم، 1375.

21. همو؛ الميزان في تفسير القرآن، قم، جامعة مدرسين حوزه علمية قم، چاپ ششم، 1421 ه ق.
22. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی) (1 جلد)، قم، دار الثقافة، چاپ اول، 1414 ه ق.
23. عده ای از علماء، الأصول الستة عشر، قم، مؤسسة دار الحديث الثقافية، چاپ اول، 1423 ه ق / 1381 ه ش.
24. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (8 جلد)، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، 1407 ه ق.
25. گیلانی، عبدالرزاق؛ مصباح الشریعة (منسوب به امام جعفر الصادق (علیه السلام)، بیروت، اعلمی، چاپ اول، 1400 ه ق.
26. لیشی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ، حسنی بیرجندی، حسین؛ قم، دارالحديث، چاپ اول، 1376.
27. مفید، محمد بن محمد، المقنعة (1 جلد)، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (رحمة الله علیه)، چاپ اول، 1413 ه ق.
28. مور، تامس؛ آرمانشهر (یوتوپیا)، ترجمه آشوری، داریوش و نادر افشار نادری؛ تهران، خوارزمی، چاپ سوم، 1387.
29. نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (28 جلد)، قم، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، 1408 ه ق.
30. UNDP, *Human Development Report 1994*, Oxford University Press, New York and Oxford, 1994.
31. Searle, John; *the Construction of Social Reality*, New York, Simon & Schuster Inc., 1995.
32. Searle, John R.; "What is an intentional state?" in *Mind*, Vol. 88, No.349, (Jan., 1979), pp. 74-92.